

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حامد بهارستانی

۱۱ مارچ ۲۰۱۳

«مانویست های» پوده از جاسوسی تا تاختن بر رهبران جنبش،

ما چرا در سکوت استیم!

نوشته های یکتن از نویسندگان و مبارزان سرشناس جنبش کشور ما، «موسوی» ارجمند را می خوانم. او را از روی فرمایش های معمول بورژوائی ارجمند نمی گویم. چون به چنین چیزی ضرورت ندارد. او را به خاطر ارجمند می گویم که مردی است مبارز. او می توانست آرام باشد و در کنجی با خواندن مولانا و حافظ زندگی اش را بگذراند، اما او راه مبارزه در پیش گرفته، و تا جایی که می دانم بارها عزم کرده که به مام میهن بیاید و در کنار توده ها بماند ولی دوستان بنا بر مشکلات صحنی و یکی دو نیاز دیگر، چنین اجازه ای به او نداده اند.

«مانویست ها» کینه عجیبی نسبت به این مبارز دارند و این کینه سبب شده است که این بی شرم ها، علیه سازمان انقلابی افغانستان جبهه خصمانه باز کنند. تا جایی که به یاد دارم، این پوده ها تا مدتی قبل اسناد «سازمان انقلابی افغانستان» را نشر می کردند و با آن کدام مشکل جدی نداشتند و اگر این جا و آنجا هم چیزی نوشته می کردند در باره همکاری آن سازمان با پورتال و سامای (ادامه دهندگان) بود. چند باری در نوشته های شان، سازمان انقلابی افغانستان را از همین جهت (همکاری با پورتال افغانستان آزاد - آزاد افغانستان و سامای ادامه دهندگان) مورد «انتقاد» قرار داده اند.

اینها پس از انتشار اسناد دومین کنگره سازمان انقلابی افغانستان یک باره با زبان خصمانه و لچکانه علیه سازمان انقلابی افغانستان «شورش» کردند. این که سازمان انقلابی افغانستان در آن اسناد چه گفته که اینها را عصبانی ساخته، همه در جریان قرار دارند. و آیا سازمان انقلابی افغانستان حاضر خواهد شد به این چرندگویی پاسخ بدهد یا نه، کاری است مربوط به خود آن سازمان.

ولی اجازه بدهید، من از نوشته های متعدد اینها دو موضوع را انتخاب کنم، یکی شیوه جاسوس گونه این پوده ها را که نویسنده عزیز «موسوی» قبلاً به آن اشاره کرده بود و آنها را از ناصادقترین افرادی خوانده بودند که با جاسوسی شان جنبش را ضربه زده اند و هنوز هم مصروف این کار می باشند و موضوع دوم تاختن این بی شرم ها بر رهبران جنبش.

اینها در جایی از نوشته های شان به طور مستقیم می نویسند:

«زمانیکه سازمان انقلابی در بستر نرم سازمان رهائی خروپف می کرد و رهبر آن انقیادطلبی و مبارزات پارلمانیستی را از طریق نشریه علنی روزگاران تبلیغ و ترویج می کرد...»، این که سازمان انقلابی چرا در بستر نرم سازمان

رهائی «خروپف» می کرد و مثل من و یک عده دیگر، مدتها قبل از آن بستر بیرون نیامد، بر سازمان انقلابی افغانستان است که به پاسخ آن پردازد. ولی چیزی که برای من از اهمیت خاص برخوردار است، جاسوسی «مائویست ها» است. این پوده ها به جای این که به افشای خط نادرست و «تسلیم طلبانه» یک فرد پردازند، به موقف تشکیلاتی و رابطه تشکیلاتی آن می پردازند که جز جاسوسی چیز دیگری نیست. (در صورت درست بودن و نادرست بودن ادعای شان، چیزی از جاسوسی آنها کم نمی شود)

اینها به راستی که جواسیس حرفه ئی هستند. جواسیسی خزیده در لباس سرخ. آنها در «حزب» * آموخته اند که چگونه انقلابیون را به شکل مستقیم به دشمن و اداره های استخباراتی آن معرفی کنند، به خصوص اگر اینجا و آنجا نامی از آنها نشر شده باشد. این پوده های هرزه به غلط بر «موسوی» عزیز می تازند که گویا با راه اندازی «سایت دوسره استخباراتی» به معرفی «انقلابیون» می پردازد. از آنجائی که این پوقانه های گازی هالندی خود مصروف جاسوسی هستند، دیگران را نیز در آئینه خود می بینند و از هیچ نوع اتهام بر آنان دریغ نمی ورزند.

به نظر من، اگر انتقادی بر دوست عزیز «موسوی» وارد باشد، اینست که چرا تا اکنون نتوانسته است این گنده ها را با نام و نشان اصلی، محل کار، رشته و تخصص و حتی روابط دوستی و خویشاوندی آنان به جنبش معرفی کند، تا انقلابیون را از افتادن در دام این توطئه گران جاسوس آگاه ساخته باشد.

در بالا نوشتم، این که «سازمان انقلابی افغانستان» و «سازمان رهائی افغانستان» به یاره گوئی و یاره سرائی اینها جواب می دهند یا نه، کار خود این سازمان هاست. من در وضعیتی نیستم که به ایشان تکلیف تعیین کنم. اما، خودم به حیث یکی از اعضای سابقه دار سازمان رهائی افغانستان که بنابر ملحوظاتی دیگر با هیچ سازمانی پیوند و فعالیت ندارم، حمله این جواسیس را بر رفیق داکتر فیض احمد، نهایت خاینانه، بزدلانه و دشمن پسندانه می دانم.

رفیق داکتر، این شهید برومند جنبش انقلابی کشور ما که به وسیله فاشیست های هار گلبدینی با یارانش با قساوت بی نظیر در مسلخگاه شمشتو جاودانه شد، اینک مورد حمله جواسیس، پوده ها، گنده ها و کثافت های جنبش قرار می گیرند، ولی همه ما خاموشیم، پرسیده می توانم چرا؟

رفیق داکتر این یکی از کجهای رسای جنبش ما که با ریختن خونس ثابت ساخت که از چه جوهر انقلابی برخوردار است، امروز مورد حمله شیدانه کسانی قرار می گیرد که با هزار دروغگوئی و رذالت و پستی، خود را «مائویست» می خوانند، اما مصروف جاسوسی هستند؛ ولی همه ما خاموشیم، پرسیده می توانم چرا؟

می پذیرم که رفیق داکتر به حیث یک انسان مبارز، به حیث یک رهبر، به حیث رهبر در جامعه افغانستان، به حیث یک رهبر در جنبش انقلابی تازه کار، به حیث رهبری که چارطرفش خادیسست ها بو می کشیدند و فاشیست های مذهبی قساوت می کردند، نمی توانست مرتکب اشتباه نشود، اما نقد این اشتباهات فقط حق کسانی است که اول، دوم، سوم و چهارم به رفیق داکتر احترام بگذارند، از دلاوری و خودگذری او بیاموزند و بعد قلم نقد را حول اشتباهات او بچرخانند، نه حق پوقانه های گازی هالندی.

عده ای باور دارند که حمله اینها را نباید بر رفیق داکتر و رفیق مجید جدی بگیریم، این اشتباه دردناک است. باید کوچکترین حمله خاینانه بر این رفقاء را جدی بگیریم و نباید میدان را به جواسیس واگذار کرد تا هر طوری که دل شان خواسته باشد، اسپ رذالت و جاسوسی شان را لگام بزنند.

دفاع از رفیق مجید و رفیق داکتر فیض در این روزگار، محک صداقت انقلابیون است. انقلابیون حق دارند، اشتباهات این دو رهبر عزیز جنبش را نقد کنند، تا از آن درسهای لازم گرفته شود، ولی به بهانه نقد، دفاع از این رهبران را به باد فراموشی سپردن و در برابر حمله خاینانه لافوک های هرزه به سکوت نشستن، ضد انقلابی است.

انقلابیون راهی دیگر ندارند، یا باید با تمام انتقادات شان بر این رهبران، از خون آنان به دفاع برخیزند و یا با پوده های «مائویست» (به توان سه) همصدا علیه این رهبران هرزه گوئی کنند.

این مرزیست که باید از آن گذشت، چنانچه مبارزان عزیز ما، رفیق «رحیمه»، رفیق «نسرین»، رفیق «توخی»، رفیق «موسوی» و رفقای دیگری چون «ودان محمودی»، «ش. حمید» و .. از آن گذشته اند که تنی با اشعار رسا و خنجرگون شان و دیگران با نثرهای کوبنده شان از رفیق احمد و مینای عزیز به دفاع برخاسته اند، ما باید از آنان بیاموزیم!

دفاع این چند رزمنده عزیز که هیچ نوع تعلق تشکیلاتی به سازمان رفیق احمد و مینا نداشته اند، نمونه عالی از اخلاق انقلابی است و در روزگاری که «میراث داران» به سکوت مرگبار تن داده اند، از اهمیت فراوان برخوردار است، آیا سایر رفقای جنبش انقلابی ما به آنان خواهند پیوست؟

* «این نوشته آماده چاپ بود که نقد یکی از رهبران این حزب تحت نام مستعار «کاروان» بما رسید. اگر چند این اولین بار است که آنها فحاشی و ناسزاگوئی شان را تا حد استعمال واژه های چون «افسار گسیخته» محدود می سازند و فریاد نمی زنند که اطفال فلان مائویست زبان مادری شان را فراموش کرده اند، شهرت مکمله رفقای ما را به دستگاه اطلاعات و امپریالیست ها نمی دهند...» (چگونه رهبری حزب کمونیست (مائویست) افغانستان با پنهان کردن حقایق نیپال از صفوف و کادرهای این حزب از رویونیوزم دفاع کرد؟ مائویست های افغانستان ۲ جولای

(۱۳۸۸)